



۲۰۱۷/۱۲/۳۰

عبدالحسیب حکیم

اظهارات شاهدان عینی از کودتای خونین هفت ثور تا تجاوز بی شرمانه قشون سرخ

بخش سوم

این داستان یک جنگ ظالمانه ایست که در آن نیروهای ابر قدرت اتحاد شوروی ده سال متداوم با مقاومت مردم افغانستان رو به رو بودند. آثار این جنگ خانمانسوز هنوز هم اینجا هر روز احساس می شود. این داستان یک جنگ بیهوده ای است که چهره دنیا را تغییر داد. به خاطری که بفهمیم که چگونه بحران افغانستان به یک معطله مهم بین المللی تبدیل شد، باید به تاریخ مراجعه کنیم.



و پنداران عزیز متن فلم مستندی را که تلویزیون آرته (ARTE) به زبان آلمانی پخش نموده، اینک به زبان دری ترجمه و در خدمت شما قرار می دهم. این مستند شمه ای از جنایات شوروی ها در دهه آخر هفتاد و هشتاد بوده، در این فلم، شما پرسش ها و پاسخ های مستندی منتشر نشده آرشیف، اسناد محرمانه و اظهارات افسران سابق کی. جی. بی. سازمان سیا، قشون سرخ، و همچنین تعدادی از قومندانان جهادی افغانستان را می بینید. به خصوص قابل توجه توصیفاتی و اظهارات "میخائیل گورباچف" است که برای اولین بار از اشغال ده ساله افغانستان توسط اردوی سرخ صحبت می نماید. امید وارم که مورد پسند شما قرار گیرد! حسیب حکیم. همچنان شما می توانید فلم دوبله شده از آلمانی به دری به آواز خودم را با فشار روی این لینک تماشا نمایید:

https://www.dropbox.com/s/0kzxhaw70yw3rqm/DVD_Afghanistan_1.mp4?dl=0



میخائیل گورباچف (Mikhail Gorbachev):

«رفیقم شوارد نادزه و من همزمان خبر شدیم، من در آنوقت در بحیره سیا در گرجستان بودم. شوارد نادزه با من ملاقات کرد، موضوعاتی مورد بحث زیاد بود. روز بعدیش زودتر از خواب بیدار شدیم. همان روز به ما اطلاع دادند که یک

قطعات محدود به افغانستان فرستاده شده، نه من و نه هم شوارز نادزه از این موضوع اطلاع قبلی داشتیم، باوجودی که هر دوی ما نامزدان بیرونی سیاسی حزب کمونیست بودیم، از این موضوع اطلاعی نداشتیم، این مسأله غیر قابل تصور است.»

چند روز بعد از هجوم نیروهای شوروی به تاریخ چهاردهم جدی ۱۳۵۸ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا "جیمی کارتر" در یک پیام تلویزیونی عکس العمل نشان می دهد:



«این یک عمل بی رحمانه، خلاف موازین بین الملل و منشور ملل متحد بوده که یک رژیم قوی وابسته، منکر از خدا تلاش دارد تا یک ملت مستقل مسلمان را زیر اسارت خود بیاورد.»

میلتن بیردن (Milton Bearden):

«جیمی کارتر این عمل بریژنف را یک توهین شخصی تلقی نموده، کارتر گمان میکرد که گویا از وی شناخت خوبی داشته باشد»



Melvin Goodman مأمور سی. آی. ای.:

«زمانیکه شوروی در سال ۱۳۵۸ به افغانستان هجوم آورد، جیمی کارتر در بیان کوتاهش یک موقف بسیار ساده و نامساعدی گرفت. او اظهار نمود «من در زندگی ام از شوروی اینقدر نیاموخته ام، مثلی که در این ۲۴ ساعت اخیر آموختم.»



ریچارد پیرل (Richard Perle) مشاور سیاسی "رونالد ریگن":

«کارتر با این عمل شوروی به بسیار خونسردی برخورد کرد و فکر می کرد که این معطله در میز مذاکره حل خواهد شد، در حالیکه این تصور بسیار ساده لوحی بود. او خوب درک کرده بود که جنگ سرد را ختم کرده نمی تواند، اما امید داشت که وضع را تا حدی بهتر بسازد تا جهان پر امنتر شود.»

عکس العمل سرتاسری کشورهای جهان در رابطه با اشغال افغانستان بسیار آشکار بود.

در سال ۱۳۵۹ اکثریت اعضای سازمان ملل تجاوز شوروی را محکوم نمودند، حتی کشور های اسلامی که با شوروی هم پیمان هم بودند.

جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا تصویب تمام قرارداد ها را با شوروی متوقف ساخت. سیاست تشنج زدایی بین دو ابر قدرت دیگر به پایان رسید.



میلتن بیردن (Milton Bearden): « مدت کوتاهی نگذشته بود که جیمی کارتر گفت: «ما در بازی های المپیک

سال آینده در ماسکو شرکت نمی کنیم، همچنان قرارداد های قونسل و قرارداد صادرات گندم به شوروی نیز دیگر

فسخ است». این یک موقف رسمی ایالات متحده آمریکا بود. جیمی کارتر به سی. آی. ای. دستور می دهد که حالا



وقت آن فرا رسیده است که باید آنجا فعال شوید!
و بعد از آن تحول مهمی رخ می دهد، این تحول کمک نظامی
به مجاهدین افغانستان بود، این تصمیم در حالی گرفته می شود
که ما تازه پنج سال قبل خواب وحشتناک ویتنام را خاتمه دادیم.»
بانی این مقایسه بین ویتنام و افغانستان مشاور امنیتی کارتر
زیبگنیف بریژنسکی است که از مخالفین سرسخت کمونیستان محسوب می شود.

زیبگنیف بریژنسکی (Zbigniew Brzezinski) می گوید: «روزی که شوروی ها به کابل هجوم آوردند تا افغانستان
را اشغال نمایند، من به رئیس جمهور یادداشتی تسلیم نمودم که در پهلوی نکات دیگر این مطلب ذکر شده بود که حالا
زمان آن رسیده که به شوروی ویتنام شان را هدیه بدهیم و به همین شکل هم به پیش رفتیم.»
میلون گودمن (Melvin Goodmann): «بریژنسکی که از مخالفین سرسخت شوروی و خودش از شرق اروپا
بوده مسئول اصلی این روش پیچیده پنداشته می شود.»

میلتن بیردن (Milton Bearden): «این همه مربوط می شود به حوادث دلو ۱۳۵۸، بریژنسکی ملاقاتی داشت
با رئیس جمهور پاکستان ضیاء الحق و از دره خیبر دیدن به عمل آورد، پیشروی کمره با کلشنیکوفی که در دست
دارد، افغانستان را هدف می گیرد. در همین لحظه علاقه آمریکا به افغانستان هویدا می شود.
بریژنسکی خطاب به افغان ها می گوید:

«این کشور از شماسست روزی شما به اینجا برخواهید گشت، مبارزه شما نتیجه خواهد داد و به این ترتیب شما خانه
ها و مساجد تان را دوباره بدست خواهید آورد. شما عمل خوبی را انجام می دهید و خداوند هم با شماست.»

Vinc Cannistrao: افسر سی. آی. ای. «ما خود در افغانستان حضور نداشتیم، کسانی که در صحنه
حضور داشتند و با افغان ها در ارتباط بودند، آنها پاکستانی ها بودند.»

میلتن بیردن (Milton Bearden): «ما با پاکستانی ها تماس گرفته و به آنها اطمینان دادیم که در پهلوی شان
هستیم و یک تیم همفکر از کشورهای سعودی، چین، مصر، انگلستان، آمریکا و پاکستان را تشکیل می دهیم.
در قدم اول از انگلیس ها تفنگ های زیادی مثل انفلید ۳۰۳ خریداری کردیم. این سلاح ها را یک ماه بعد از تهاجم به پاکستان
رساندیم. جوانان افغان این تفنگ ها را زیاد خوش داشتند.
در آغاز بودجه ما ده میلیون دالر بود که بعداً از کانگرس تقاضای ۲۰ میلیون اضافی شدیم که در سال های بعدی اش بودجه بالا
رفته می رفت.»

پلان سی. آی. ای. برای مسلح ساختن مجاهدین به نام عملیات مخفی سر کلون یاد می شد.
رئیس جمهور پاکستان ضیاء الحق یک دشمن سر سخت شوروی استخبارات خود را در خدمت سی. آی. ای. قرار میدهد، ولی
بالای مخفی بودن این پروگرام تأکید میورزد. هیچ امریکایی اجازه ندارد که در افغانستان فعالیت نماید. تمام مسؤولیت آموزش
و کارهای لوژیستیکی مجاهدین را استخبارات پاکستان به دوش میگیرد. تمویل و نظارت این عملیات وظیفه سی. آی. ای. میباشد.

صحبت تنی: «سرحدات افغانستان باز بود و گروپ های مجاهدین بین سرحدات ایران و افغانستان و افغانستان و پاکستان رفت و آمد داشتند. قشون سرخ و اردوی افغانستان نتوانستند مانع این کار شوند». هزاران افغان به پاکستان در سرحدات مهاجر شدند و مقاومت هم از آنجا رهبری می شود.

وینک کانستراو ([Vinc Cannistras](#)) افسر سی. آی. ای.: «اینکه کار مثبت یا منفی بود، تشکیل هفت تنظیم



به ابتکار پاکستان صورت گرفته است. در بین آنها اشخاصی بودند مثل گلبدین حکمتیار و افراد معتدل دیگر. البته از دیدگاه پاکستانیها اینها کسانی بودند که در بخش نظامی از مؤثریت خوبی برخوردار بودند و این یک واقعیت هم بود.»

مقاومت افغانی متشکل از هفت تنظیم بود که در بین آنها حکمتیار، عبدالرسول سیاف و برهان الدین ربانی از بنیاد گرا ها بودند که با اخوان المسلمین نزدیکی داشتند و از طرف عربستان سعودی تمویل می شدند، آنها قسمت زیادی کمک های امریکا را هم می گرفتند، زیرا پاکستان آنها را ترجیح می داد. سی. آی. ای. باید این انتخاب استخبارات پاکستان را قبول می کرد.



داکتر عبدالله: «متأسفانه که در آن زمان قسمت زیادی سلاح به گروپ حکمتیار داده می شد، البته این یک تصمیم حکومت پاکستان و استخبارات این کشور بود. مجاهدین زیر فشار و مجبور بودند که از حکمتیار اطاعت بکنند.»

وینت کانسترو ([Vinc Cannistras](#)) افسر سی. آی. ای.: «به گروپ زیر قوماندۀ مسعود که با ما و انگلیس ها مستقیماً در تماس بودند، ترجیح داده شد. گروپ سیاف از همه بیشتر از طرف سعودی تمویل می شد. در آن زمان ما سعی نمودیم تا فعالیت های گروه های مختلف را زیر نظر داشته باشیم بدون اینکه بالای شان نفوذی داشته باشیم، ولی بعداً ثابت شد که این کار بسیار مشکل بود.»



رستم شاه مهندس آمر کمشنری مهاجرین افغان در پاکستان:

«افغان ها خودشان در باره شکل و وسعت مقاومت شان تصمیم می گرفتند. از دیدگاه افغان ها مقاومت شان باعث این شد که کمک های خارجی از قبیل تکنالوژی، اسلحه، پول و تریننگ به دست شان برسد. بعضی ها به این عقیده اند که گویا بدون حمایت خارجی ها این مقاومت ممکن نبود، در حالی که آنها از حقیقت چشم پوشی می کنند.»

مجاهدین که روز به روز تجهیزات و تمرینات شان بهتر می شد، شوروی ها را به مشکلات زیادی روبرو می کردند. نیروهای شوروی از مقاومت سرسخت مجاهدین در ولایات غافلگیر شدند.

پایان بخش سوم
ادامه دارد

بخش اول و دوم این مطلب مهم و تاریخی را با فشار بر لینک ذیل مطالعه کرده می توانید:

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۱.pdf

بخش دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۲.pdf

